

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

تتبع و نگارش: الحاج داکتر امین الدین « سعیدی- سعید افغانی »

۱۸ نومبر ۲۰۱۶

تفسیر احمد - ۲۸

ترجمه و تفسیر سوره همزه - ۱

این سوره در « مکه » نازل شده و دارای ۹ آیت است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ (۱) الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ (۲) يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ (۳) كَلَّا لَيُنْبَذَنَّ فِي الْحُطَمَةِ (۴) وَمَا أَدْرَاكَ مَا
الْحُطَمَةُ (۵) نَارُ اللَّهِ الْمُوقَدَةُ (۶) الَّتِي تَطَّلُعُ عَلَى الْأَفْنِدَةِ (۷) إِنَّهَا عَلَيْهِمْ مُّوَصَّدَةٌ (۸) فِي عَمَدٍ مُمَدَّدَةٍ (۹)

معلومات موجز :

«سوره همزه» از جمله سوره های مکی بوده ، دارای (۱) رکوع ، و(۹) نه آیت ، و(۳۳) سی و سه کلمه ، و(۱۳۵) یکصدوسی و پنج حرف ، و(۴۶) نقطه است .

وجه تسمیه :

این سوره « همزه » نام دارد زیرا الله عزوجل آن را با آیت: « وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ » آغاز کرده است. همزه: کسی است که غیبت و عیوئی مردم را نموده و با سخن، یا با فعل، یا با اشاره به آنان طعنه می زند.

مناسبت این سوره با سوره (العصر) :

در سوره « والعصر » چنان که الله عزوجل بیان کرده انسان در خسران و هلاکت است. سپس در این سوره حال فرد خسارت دیده را با یک مثال بیان می کند.

اسباب نزول :

ابن ابو حاتم محدث مشهور جهان اسلام از عثمان بن عمر روایت کرده است: ما همواره می شنیدیم که آیت «وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ» در باره ابی بن خلف نازل شده است .

واز سدی روایت می کند: این آیت در باره **اخنس بن شریق** نازل شده است.

اخنس بن شریق بن عمرو ثقفی، یکی از بزرگان و اشخاص صاحب نفوذ شهر مکه بود. که در مکه و قبل از هجرت به اقداماتی نچندان خشونت‌آمیز علیه پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم دست یازیده است.

اخنس از جمله سران قریش بود که نزد ابوطالب رفت و با وساطت او، به پیامبر صلی الله علیه وسلم پیشنهادهایی دادند که اخنس در آنجا گفت: «ما و خدایان ما را رها کن، ما نیز تو و پروردگارت را رها می‌کنیم»

اخنس بعد از هجرت و در جنگ بدر، به دلیل رهائی اموال از دست مسلمانان، جنگ را ترک کرده و برخی قبائل نیز از او پیروی کردند، اما او در جنگ احد در سپاه کفار بوده و فرزندش نیز در همان جنگ کشته شد. در نهایت اخنس، با فتح مکه مسلمان شده و از «مؤلفه قلوبهم» قرار گرفته و حتی در جنگ حنین نیز در کنار مسلمانان حضور یافت. اخنس در سال‌های ابتدائی خلافت حضرت عمر، درگذشت. (بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، تحقیق، زکار، سهیل، زرکلی، ریاض، ج ۱، ص ۲۳۱، دار الفکر، بیروت، چاپ اول، ۱۷۴۱ق).

این جریر از مردی از اهل رقه روایت می کند: این آیت در باره **جمیل بن عامر جمحی** نازل شده.

این منذر روایت کرده است: هرگاه امیه بن خلف پیامبر صلی الله علیه وسلم را می دید طعنه می زد و عیب جوئی می کرد پس «وَيَلِّ لِكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ» تا آخر سوره نازل شد.

ابو حیان الأندلسی مفسر تفسیر البحر المحيط می نویسد: این سوره ممکن است درباره یکی از افراد زیر نازل شده باشد که عبارتند از: اخنس بن شریق، عاص بن وائل، جمیل بن معمر، ولید بن مغیره، امیه بن خلف. و شکی نیست که این سوره برای هر کسی که این اوصاف را دارد، عام است.

ترجمه موجز:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

«وَيَلِّ لِكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ» (۱) (وای بر هر عیبجوی غیبت‌کننده‌ای)

«الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ» (۲) (همان کسی که مال فراوانی گرد آورد و شمارش کرد)

«يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ» (۳) (گمان می کند که مالش او را جاودانه می سازد)

«كَلَّا ۖ لَيُنْبَذَنَّ فِي الْحُطَمَةِ» (۴) (هرگز چنین نیست (که او گمان می کند) مسلماً در «حطمه» انداخته خواهد شد)

«وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحُطَمَةُ» (۵) (و تو چه دانی «حطمه» چیست!؟)

«نَارُ اللَّهِ الْمَوْقَدَةُ» (۶) (آتش برافروخته الهی است)

«الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْأَفْئِدَةِ» (۷) (آتشی) که بر دل‌ها چیره گردد (و بسوزاند).

«إِنَّهَا عَلَيْهِمْ مُّوَصَّدَةٌ» (۸) (بی گمان آن (آتش) بر آن‌ها فرو بسته و از هر سو آن‌ها را محاصره کرده است)

«فِي عَمَدٍ مُمَدَّدَةٍ» (۹) (در ستون‌های بلند (کشیده شده) است).

معنای اجمالی:

الله سبحانه و تعالی در این سوره به هر غیبت‌کننده عیب جو و عده رفتن به دره ای از جهنم را می دهد که محل ریختن چرک های خونین جهنمیان است.

سپس صفتی از صفات این غیبت کننده عیب جو را بیان می کند که آن جمع کردن مال و شماریدن آن است در حالی که هیچ علاقه ای به انفاق کردن آن در راه خیر و صلۀ رحم ندارد و گمان می کند که اموالش او را در این دنیا جاودان خواهد کرد و هرگز نخواهد مرد. در نتیجه برای به دست آوردن اموال بیشتر تلاش بیشتری می کند تا جایی که به این نتیجه می رسد که سبب طولانی شدن عمرش در جمع اموال و سرمایه بیشتر است در حالی که نمی داند این بخل و خسیسی است که از عمر می کاهد و باعث نابودی دنیا و آخرت وی می شود ولی به عکس عطا و بخشش عمر را طولانی تر می کند.

سپس الله عزوجل می فرماید: « كَلَّا لِيُنَبِّدَنَّ فِي الْحُطَمَةِ (٤) وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحُطَمَةُ»: برای بزرگ نشان دادن آن و ایجاد ترس و وحشت. سپس در شرح حطمه می فرماید:

« نَارُ اللَّهِ الْمُوقَدَةُ » آتشی که هیزم آن مردم و سنگ هاست و به سبب شدید بودن «تَطَّلِعُ عَلَى الْأَفْنَدَةِ» یعنی از جسم به قلب نفوذ می کند و با وجود چنین حرارت شدیدی آنها در آن زندانی هستند و از بیرون رفتن از آن نا امید. و به همین دلیل است که بعد این آیت می فرماید: « إِنَّهَا عَلَيْهِمْ مُّوَصَّدَةٌ » یعنی بسته اند «فِي عَمَدٍ» از پشت درها کشیده شده اند در نتیجه نمی توانند از آن خارج شوند. او در آیت دیگر در قرآن عظیم الشان می فرماید: (هر گاه بخواهند از شدت) اندوه از آنجا خارج شوند، به آن باز گردانده می شوند (سوره حج: ٢٢) « كَلَّمَا أَرَادُوا أَنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا مِنْ عَمٍّ أُعِيدُوا فِيهَا ».

معنی کلمات :

ویل: ننگ و عذاب شدید. و برخی گفته اند: ویل دره ایست در جهنم.
لكل همزة لمزة: همزة: غیبت کننده و ناسزاگو. لمزة: عیب جو که معمولاً برای تحقیر مردم عیب جوئی می کند.
جمع مالا وعدده: یعنی مال را جمع کرده و آن را چندین بار می شمارد.
لینبذن: با اهانت و تحقیر پرتاب می شود.
فی الحطمة: آتش جهنم. حطمة نامیده شده زیرا وقتی شخصی را در آن می اندازند متلاشی و منهدم می شود.
الموقدة: شعله ور و سوزان.
تطلع علی الأفندة: آتش از وسط قلب ها بالا می رود و آن را احاطه می کند. در این آیت دل را ذکر کرده زیرا محل عقاید فاسد و منشأ اعمال زشت و ناپسند است.
موصدة: سرپوشیده و در بسته است.
فی عمد ممدة: درستون های بلند، پس آتش در داخل این ستون ها خواهد بود. (تفسیر نور)

درس ها و عبرت های سوره همزة :

- ١- این سوره بیانگر عقیده بعث و جزاست.
- ٢- در این سوره تأکید بر اجتناب و دوری از غیبت و عیب جوئی به عمل آمده است.
- ٣- در این سوره برای هر غیبت کننده و عیب جو و بخیل شدت عذاب جهنم بیان گردیده است. که در اخیر سوره هریکی از این مباحث اخلاقی به تفصیل بیان می گردد.

محتوا و فضیلت سوره:

در این سوره از کسانی بحث به عمل آمده است که تمام توجه، نیرو و قوت خویش را متوجه جمع آوری مال نمی نمایند، او نه تنها در حب مال همه اهتمام خویش را به خرج می دهد، بلکه تمام ارزشهای وجودی انسان را در آن خلاصه می کنند، سپس نسبت به کسانی که دستشان از آن خالی است به دیده حقارت می نگرند و آنها را به باد استهزای می گیرند.

و در پایان سوره از سرنوشت درناک آنها سخن می گوید که چگونه به صورت حقارت آمیزی در دوزخ پرتاب می شوند، و آتش سوزان جهنم قبل از هر چیز بر قلب آنها مسلط می گردد، و روح و جان آنها را به آتش می کشد.

پیام های عمده این سوره:

- ۱- یکی از آفات و خطرات ثروت اندوزی، تحقیر دیگران است. «همزة لمزة... جمع مالاً و عده»
- ۲- مسائل اخلاقی جزء دین است و انسان مؤمن، باید زبان و چشم خود را در کنترل خود داشته باشد. «ویل لكل همزة لمزة»
- ۳- مراقب باشیم فریب مال و متاع دنیا، مقام و منصب دنیا را نخوریم و مغرور نشویم. «بحسب ان ماله اخلده»
- ۴- آنان که به جای انفاق مال، در فکر جمع و احتکار اموال هستند، منتظر عذاب خرد کننده قیامت باشند. «جمع مالاً و عده... لينبذن في الحطمة»
- ۵- نیش زبان و طعنه زدن، از گناهان کبیره است، زیرا درباره آن وعده عذاب آمده است. «ویل لكل همزة لمزة... لينبذن في الحطمة»
- ۶- آتشی را که خدا بیفزورد، نه فقط بر جسم، بلکه بر جان و دل مجرمان نفوذ می کند. «نار الله الموقدة التي تطلع على الافئدة»
- ۷- فکر بشر از درک حقایق دوزخ و بهشت عاجز است. «و ما ادراك ما الحطمة»
- ۸- ستون های بلند آتش، راه فرار را بر دوزخیان می بندد. «مؤصدة في عمد ممددة»

تفسیر سوره:

«وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ» (۱) (وای بر هر اشاره گر عیبجویی) یعنی: وای بر هر غیبت کننده و طعنه زننده . سوره «همزه» با یک «وای» شروع شده است: «وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ. هُمَزَةٌ و لُّمَزَةٌ» چه کسی است؟ «همزه» وزن مبالغه است در اصل این لغت به معنای شکستن است. شخص غیبت کننده، شخص غایب را با حرف ها و نیشهای کلامش می شکند و همزه به کسی گفته می شود که در پشت سر مردم غیبت می کند و «لمزه» به شخصی اطلاق می شود که در پیش رو عیب جوئی و با چشمک، ابرو، با سر و اشاره کسی را مورد تحقیر و توهین قرار می دهد. در این سوره الله تعالی با لحن تهدید و لید بن مغیره و اخنس را مورد عتاب و ملامت قرار داده است . همزة یعنی آنهایی که می خواهند دیگران را خرد و کوچک کنند، فرق نمی کند که این عملیه خرد کردن به زبان باشد و یا با رفتارشان باشد، این تعداد اشخاص ترقی و پیشرفت خویش را در تحقیر، و عیب جوئی دیگران جست و جو می نمایند، و شخصیت دیگران را به اصطلاح ترور می نمایند .

قرآن عظیم الشان درباره همچو اشخاص غیبت گر، می گوید، این کار مثل این است که گوشت مرده برادرت را خورده باشی! تو شخصیت برادر دینیات را خرد می کنی تا خودت را بالا ببری. او را بد جلوه می دهی تا خودت خوب جلوه کنی.

در برخی از حالات وضعیت چنین پیش می آید که برخی از انسانها به تعریف و تمجید خویش می پردازد ، خوب این کار بدی نیست که کسی از خود تعریف و تمجید کند، ولی هستند انسانهایی که می خواهند با اهانت و پائین آوردن دیگران، موفق و شخصیت خویش را بالا نشان دهند ، یعنی در خرد و ذلیل ساختن دیگران می خواهند خود را نیرومند و قوت مند و صاحب قوت نشان دهند.

در حدیث شریف آمده است: «شرار عباد الله تعالى المشاؤون بالنميمة، المفسدون بين الأحبة: بدترین بندگان خدا جل جلاله ، سخنچینان برهم زننده رابطه دوستی در میان دوستان و عیبجویانی اشخاص پاك و بی گناه اند».

«الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ» (۲) «آن که مالی گرد آورد و شماره اش کرد» یعنی: که به سبب مال گرد آورده خود دلخوش، سرمست و مغرور است و تصور می کند که به وسیله این مال ، بر دیگران فضل و برتری دارد، از این جهت دیگران را کوچک و حقیر می شمارد.

«لَمَزَةٌ» کسی است؟ «الَّذِي جَمَعَ مَالًا» کسی که تمام سعی و تلاشش در جمع آوری مال به مصرف می رسد . «وَعَدَّدَهُ» و این که همیشه او را می شمارد . اندوختن مال و ثروت را برای مصرف و دادن صدقه جمع نمی کند ، بلکه آن را برای لذت بردن از شمردنش می خواهد. خوش دارد که مردم برایش بگویند ، فلانی پولدار و سرمایه دار بزرگی است.

«يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ» (۳) خیال می کند که مالش او را جاویدان و پاینده خواهد کرد؛ و طوری کمان می کند، که هرگز نمی میرد! و همیشه مالش با او خواهد بود ، بناءً همیشه دلبسته مال خویش اند، و سرمست مال خویش است ، نه فکر مرگ به ذهنش خطور می کند و نه به بعد از مرگ می اندیشد.

ولی این را فراموش کرده است که این مال و ثروتش در قبر جوابگویش نخواهد بود ، بلکه این اعمال صالح است که صاحب خود را در حیاتی ابدی جاودان می کند، نه مال و ثروت. همچنین علم همراه با عمل است که صاحب خود را جاویدان می کند.

مفسرین در مورد این که شیطان از چه راه توانست آدم و حوا را در بهشت فریب دهد می نویسند: شیطان دو چیز به آنها گفت. یکی این که خدا برای این گفته است که به این درخت نزدیک نشوید که «أَنْ تَكُونَا مَلَكَيْنِ أَوْ تَكُونَا مِنَ الْخَالِدِينَ.» (سوره اعراف آیت ۲۰) که نخوایسته شما ابدی شوید، چون هر که از میوه این شجره بخورد عمر جاویدان پیدا می کند و «مَلَكٌ» می شود.

«مَلَكٌ» یعنی کسی که دارای امکانات خاصی است و مثل فرشته «تملك» دارد. می گوید آنها را با همین حرف فریب داد.

این داستان در دو آیت قرآن عظیم الشأن آمده که در واقع بیان یک معنی است، در یکی از قول ابلیس می گوید «يَا آدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَى شَجَرَةِ الْخُلْدِ وَمُلْكٍ لَّا يَبُلَى» (سوره طه آیت ۱۲۰) (ای آدم، می خواهی تو را به درختی جاودانی راهنمایی کنم که اگر از آن بخوری، تملک و امکاناتی بیایی که هرگز کهنه نشود؟ پس معلوم می شود که بشر دو انگیزه دارد که هیچ موجود دیگری ندارد:

یکی آن که می خواهد جاویدان بماند و دیگر این که می خواهد امکاناتی داشته باشد که هیچ وقت از میان نرود . حالا این سه آیت را از آخر به اول می خوانیم: « يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ. انسان گمان می کند که مال پاینده اش می دارد، در حالی که آنچه ما را جاویدان می کند ساختن آخرت است؛ دنبال خیر و خدمت رفتن است؛ به نفع بندگان خدا کار کردن است؛ در پی حقیقت بودن است؛ ارزش های خدائی پیدا کردن است.

اینهاست که انسان را ابدی می‌سازد. «وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ» است (سوره کهف آیت ۴۶) (یعنی کارهای نیک پایدار است). اعمال صالح است که پیش پروردگار بالاترین مقام و منزلت و عالترین پاداش را دارد.
ادامه دارد